

## مؤلفه‌های داخلی و خارجی تأمین‌کننده‌ی امنیت سیاسی از منظر امام خمینی (ره)

منصور حیدری <sup>۱</sup>	تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۳/۱۰
سید محمد جواد قربی <sup>۲</sup>	تاریخ تأیید مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۰۳
	صفحات مقاله: ۳۳ - ۹

### چکیده:

با بررسی اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌توان به مؤلفه‌هایی دست یافت که امنیت سیاسی کشور را ارتقا خواهد بخشید و در پرتو این مؤلفه‌ها می‌توان ثبات سیاسی و امنیت پایدار را به ارمغان آورد. این مقاله سعی دارد مؤلفه‌های امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی را مورد مذاقه قرار دهد. سؤال اصلی مقاله این است که مؤلفه‌های داخلی و خارجی امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره) کدامند؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهند؛ اولاً، حفظ نظام سیاسی، تقویت نهاد روحانیت، قانون‌گرایی، صیانت از اسلام، وفاق اجتماعی، مشارکت و حضور مردم، وفاداری متقابل مردم و مسئولان، نفی انحصارگرایی سیاسی، و حاکمیت نظم و قانون از مؤلفه‌های داخلی تحقق امنیت سیاسی هستند. ثانیاً، استقلال سیاسی، همزیستی مسالمت‌آمیز، نفی ظلم‌پذیری، تأسیس تشکل‌های بین‌المللی مستقل، حمایت از ملت‌های مظلوم و زیر نظر داشتن سازمان‌های بین‌المللی از مؤلفه‌های خارجی امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره) محسوب می‌گردند. برای پاسخ سؤالات از روش تحلیلی-توصیفی و مطالعات اسنادی بهره گرفته می‌شود و مرجع اصلی بررسی اندیشه‌های امام، مجموعه‌ی بیست‌ودو جلدی صحیفه‌ی امام می‌باشد.

\* \* \* \* \*

### واژگان کلیدی

امام خمینی (ره)، امنیت سیاسی، اسلام، جمهوری اسلامی، مردم.

- ۱ - استادیار معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی همدان.
- ۲ - کارشناس ارشد اندیشه سیاسی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب.

## مقدمه

در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی<sup>(ره)</sup>، هم تأسیس حکومت اسلامی و هم حفظ و مراقبت از آن واجب است و حتی بر احکام اولیه و ثانویه هم اولویت دارد. ادله یا شاخص‌های زیر در منظومه‌ی فکری امام خمینی بر امنیت سیاسی دلالت دارد: اهمیت بالای دولت به‌عنوان سازمان بزرگ سیاسی و حاکمیتی؛ اهمیت سه پایه‌ی ایدئولوژی، پایگاه مادی و مظاهر نهادی؛ و وجود تهدیدهای امنیتی بیرونی و درونی. (داوری اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸: ۷۶-۷۲) در بحث امنیت سیاسی، دیدگاه‌های امام خمینی را می‌توان در دو بعد سیاست داخلی و سیاست خارجی مورد توجه قرار داد. در همین راستا، مقاله‌ی حاضر سعی دارد به بررسی امنیت سیاسی و مؤلفه‌های آن در اندیشه‌ی امام خمینی بپردازد و سؤال اصلی مقاله به این قرار است که «مؤلفه‌های داخلی و خارجی امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی<sup>(ره)</sup> کدامند؟» برای پاسخ به سؤال اصلی، نیازمند پاسخ به سؤالات فرعی زیر هستیم: «امنیت سیاسی چیست و دارای چه بار معنایی و مفهومی‌ای می‌باشد؟ مؤلفه‌های داخلی امنیت سیاسی شامل چه مواردی می‌شوند؟ مؤلفه‌های خارجی امنیت سیاسی شامل چه مواردی می‌شود؟» برای پاسخ به این سؤالات، از روش تحلیلی - توصیفی و مطالعات اسنادی بهره گرفته می‌شود و مرجع اصلی بررسی آرای امام خمینی مجموعه‌ی ۲۲ جلدی صحیفه‌ی امام می‌باشد.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مؤلفه‌های داخلی امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی<sup>(ره)</sup> شامل حفظ نظام سیاسی، تقویت نهاد روحانیت، قانون‌گرایی، صیانت از اسلامیت نظام، وحدت و وفاق اجتماعی، مشارکت و حضور مردم در صحنه، وفاداری متقابل مردم و مسئولان، نفی انحصارگرایی سیاسی، حاکمیت نظم و غیره می‌شود. در نقطه‌ی مقابل، عناصری نظیر استقلال سیاسی، همزیستی مسالمت‌آمیز، نفی ظلم‌پذیری، تأسیس تشکل‌های بین‌المللی مستقل، حمایت از ملت‌های مظلوم و نهضت‌های آزادی‌بخش، و زیرنظر داشتن سازمان‌های بین‌المللی از مؤلفه‌های خارجی امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی محسوب می‌گردند.

## چارچوب مفهومی

## امنیت

امنیت مفهومی توسعه نیافته است و این مشکل پس از جنگ سرد پیچیده‌تر شد و توافقی کلی در باب آن به وجود نیامد تا جایی که باری بوزان در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» مدعی می‌شود که امنیت اساساً مورد اختلاف است. (قربی، ۱۳۹۱: ۶۶) امنیت را می‌توان محافظت در برابر خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید (ایمنی، آرامش و آسودگی) معنا کرد. (زین‌آبادی، ۱۳۹۱: ۷۰) از دیدگاه استانی هافمن امنیت ملی عبارت از حفاظت از یک ملت در برابر حمله‌ی فیزیکی و مصون و محفوظ داشتن فعالیت‌های اقتصادی آن از جریان‌های ویران‌کننده‌ی بیرونی می‌باشد. (رفیع و قربی، ۱۳۹۲: ۱۲) به هر روی، امنیت را باید نه یک متغیر مستقل، بلکه یک متغیر وابسته نگریست که با توجه به متن آن، معنا می‌یابد. از این منظر، امنیت فرآیندی اجتماعی ارزیابی می‌گردد که متناسب با تحول متن آن، تغییر می‌یابد. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۱)

از منظری زبان‌شناسانه می‌توان گفت که دال امنیت به مدلولی خاص و ثابت منتهی نمی‌شود. به عبارت دیگر، هیچ رابطه‌ی ذاتی، ماهوی و سدید بین دال و مدلول امنیتی وجود ندارد، بلکه مفهوم امنیت، مصداق خود را از درون گفتمان‌های گوناگون می‌جوید. (تاجیک، ۱۳۷۶: ۴۸) با توجه به تحولات گفتمانی مختلف، امنیت را می‌توان در گفتمان سلبی و ایجابی مورد مذاقه قرار داد. در گفتمان سلبی، امنیت به معنای نبود تهدید و امکان مدیریت ناامنی برای بازیگر هدف معنا می‌شود، اما در گفتمان ایجابی، امنیت به رضایت و نه قدرت سخت‌افزاری برای مدیریت ناامنی تقلیل می‌یابد و مبتنی بر ایجاد تعادل میان خواسته‌ها و داشته‌های سیاسی واحد سیاسی با ضریب ایدئولوژیک آن واحد می‌باشد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۴-۸۱)

## امنیت سیاسی

امنیت و سیاست از مفاهیمی هستند که درک هر کدام از آنها بدون فهم دیگری دشوار است (خلیلی، ۱۳۸۴: ۷۴۰)، در عین حال، ترکیب آنها و ایجاد ایده‌ی امنیت سیاسی، از

پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است، به گونه‌ای که تفکیک امنیت سیاسی از سایر وجوه امنیت، امری پیچیده است؛ زیرا تفکیک امنیت سیاسی با امنیت در عمل با مشکل روبرو خواهد بود. از این رو، گستره‌ی امنیت سیاسی، از امنیت یک نظام سیاسی، حاکمیت، دولت تا جوهی از مسائل سیاسی در یک جامعه گسترده خواهد بود. از آنجا که دولت اصولاً موجودیتی سیاسی است، تهدید سیاسی می‌تواند منبع نگرانی باشند. (ریبیعی، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

امنیت سیاسی ناظر بر نظم‌های اجتماعی است. گوهر بخش سیاسی را تهدیدهای مطرح برای حاکمیت دولت تشکیل می‌دهد. از این هسته‌ی اصلی، ملاحظاتی امنیت سیاسی در دو جهت تعمیم می‌یابد: نخست، تهدیدهای غیرنظامی هم ارزی را هم که برای واحدهای سیاسی دیگری غیر از دولت مطرح است، شامل می‌شود. دوم، فراتر از این گونه واحدها، می‌توانیم امنیت سیاسی را به معنای دفاع از موضوعات سیستمی مانند جامعه‌ی بین‌الملل یا حقوق بین‌الملل بدانیم. (بوزان و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۲۵)

«ویور» امنیت سیاسی را توانایی جامعه برای استمرار بخشیدن به ویژگی‌های سیاسی بنیادین خود در پرتو شرایط تغییر یافته در مقابل تهدیدهای واقعی یا احتمالی ارزیابی می‌کند. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۴۱) احساس امنیت سیاسی محصول کنش متقابل اجتماعی است که از درون تعاملات متقابل افراد، گروه‌ها و نهادهای سیاسی متجلی می‌شود. به بیان دیگر، احساس امنیت سیاسی در واقع نوعی تولید اجتماعی است و همه‌ی نهادهای اجتماعی و سیاسی در شکل‌گیری آن سهم هستند. (موحدی و عرف، ۱۳۹۲: ۵۴)

تأمین حقوق مدنی در بعد سیاسی آن، امنیت سیاسی یک جامعه را رقم می‌زند. از این منظر، امنیت سیاسی مصونیت یک فرد، گروه یا ملت از تعرض و تجاوز به حقوق سیاسی مشروعش می‌باشد. در یک کلام، هنگامی که افراد، گروه‌ها و ملت‌ها، فرصت و آزادی کافی برای اعمال حاکمیت بر سرنوشت خویش داشته باشند و چیزی مانع رسیدن آنها به این حق نشود، از امنیت سیاسی برخوردار می‌باشند. (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۱۰۹) در تعریفی دیگر، امنیت سیاسی محدود به آزادی بیان در عرصه‌ی سیاسی شده است و این‌گونه آمده است: «امنیت

سیاسی عبارت است از آن‌که هر عضوی از جامعه بتواند بدون هیچ‌گونه بیم و هراس در چارچوب قانون، نظرات خویش را در خصوص چگونگی اداره‌ی امور جامعه و شرکت در این‌گونه امور ابراز دارد و از این جهت، خطری او را تهدید نکند و آرامش او بر هم زده نشود و مورد آزار و اذیت قرار نگیرد.» (صادقیان، ۱۳۸۴: ۸۰)

با این اوصاف، می‌توان بیان داشت:

"امنیت سیاسی به تأمین آرامش و طمأنینه توجه دارد که توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش، از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و داخلی صورت می‌پذیرد و حاکی از تضمین حقوق سیاسی آنان در مشارکت، تعیین سرنوشت اجتماعی و سیاسی آنهاست. نظام سیاسی در راستای امکان‌بخشی مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه باید امنیت و حضور آزادانه و برابر شهروندان را فراهم آورد."

(زین‌آبادی، ۱۳۹۱: ۷۴)

البته در نقطه‌ی مقابل، نظام سیاسی باید سعی نماید تهدیدات خارجی را مدیریت نماید و استقلال سیاسی و عدم وابستگی را به ارمغان آورد و با رعایت اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری‌های بین‌المللی، امنیت داخل را ارتقا بخشد.

**مؤلفه‌های امنیت سیاسی از منظر امام خمینی (ره)**

مؤلفه‌های امنیت سیاسی به دو دسته‌ی داخلی و خارجی تقسیم می‌شوند:

#### **مؤلفه‌های داخلی امنیت سیاسی**

مؤلفه‌های داخلی در تأمین امنیت سیاسی در سطح داخلی عبارتند از:

#### **حفظ نظام سیاسی**

حفظ نظام در سخنان و نوشته‌های امام خمینی (ره) به معنای نگهداری از بقا و موجودیت حکومت جمهوری اسلامی است. (کازرونی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۲) امام خمینی حفاظت از نظام سیاسی

را یک تکلیف و به مثابه واجب عینی می‌دانند: «آحاد مردم یکی‌یکی‌شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی، یک واجب عینی، اهم مسائل واجبات دنیا، اهم است، از نماز اهمیتش بیش‌تر است؛ برای این‌که این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است. این تکلیف برای همه‌ی ماست.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۹: ۴۸۷) در جایی دیگر خلل در پایداری نظام را بر نمی‌تابند و حفظ نظام را واجب عقلی و شرعی اعلام می‌کنند: «توجه به اهمیت حفظ نظام جمهوری دارند که با آن هیچ حکم و امری مزاحمت نمی‌کند و برای حفظ آن از هیچ کوششی نباید مضایقه کرد و معلوم است.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۹: ۱۵۵) امام خمینی حفظ نظام جمهوری اسلامی را در ردیف حفظ اسلام قرار می‌دهند و آن را اعظم فرایض می‌دانند:

"بر همه‌ی ما و شما و همه‌ی ملت و همه‌ی روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است." (صحیفه‌ی امام، ج ۱۵: ۳۲۹)

#### تقویت نهاد روحانیت

حوزه‌های علمیه، علما و روحانیت، جایگاهی خاص و بسیار حساس در انقلاب اسلامی دارند و امام خمینی<sup>(ره)</sup> به صراحت بر این مطلب، مهر تأیید می‌گذارند (امام خمینی، ۱۳۸۳: ۴۹) و بیان می‌دارند که کناره‌گیری روحانیت، وعاظ و خطبا یک تهدید برای کشور محسوب می‌شود؛ زیرا این گروه، یکی از کنش‌گران اصلی مقابله با دشمنان داخلی و خارجی هستند که با ارشاد، آگاه‌سازی و اقدام عملی در حفظ نظام و پایداری آن مؤثر هستند:

"اگر بنا باشد که روحانیون کنار بروند و همین گاهی با یک قلمی - فرض کنید که - اشکالات را بگویند و در رفع اشکالات کوشش نکنند و خطبا در منابر خودشان، مسائل روز را فراموش کنند و مسائل انقلاب را فراموش کنند، این انقلاب صدمه خواهد دید. اسلام به دست روحانیون تا حالا زنده مانده. هیچ قشری، هیچ قشری در این مسأله دخالت نداشته است، جز خود روحانیون و خطبایی که در دنباله‌ی آنها بودند." (صحیفه‌ی امام، ج ۱۵: ۳۳۰)

حضرت امام خمینی (ره) روحانیت را سدّی در برابر تهدیدات می‌دانند و به همین دلیل، پیوندی عمیق میان حضور و فعالیت علما و روحانیون با کارآمدی و پایداری نظام برقرار می‌کنند و توصیه می‌کنند که نهاد روحانیت باید تقویت شود تا نظام سیاسی از تهدیدات مصون گردد. (صحیفه‌ی امام، ج ۱۸: ۱۲) و روحانیت از منظر امام خمینی نهادی است که می‌تواند نظام سیاسی و فعالیت‌های حکومت اسلامی را در مسیر اصلی خویش حفاظت نماید (صحیفه‌ی امام، ج ۱۸: ۱۰۱)، و همین امر، نظام سیاسی را در برابر تهدیداتی نظیر تفرقه، رخوت، منازعات سیاسی، شکاف اجتماعی، غفلت از تهدیدات خارجی و ... حفاظت می‌نماید.

### قانون‌گرایی

قانون به وجود آورنده و مبنای تأمین امنیت است، زیرا بدون آن ناامنی و هرج و مرج در جامعه حاکم می‌شود. به واسطه‌ی قانون‌گرایی علاوه بر نظم گرفتن شهروندان و دولت، تحدید قدرت دولت نیز صورت خواهد گرفت و در نتیجه‌ی آن، امنیت سیاسی به وجود خواهد آمد. امام خمینی (ره) در کتاب کشف‌الاسرار، وجود قانون را برای پیشبرد و هدایت جامعه‌ی بشری ضروری و الزامی بیان می‌کنند. (کافی، ۱۳۸۷: ۱۳۰-۱۲۹) امام (ره) در جایی دیگر، امنیت را زمانی تحقق یافته می‌دانند که قانون اجرا شود و حاکمیت قانون را بسترساز امنیت اعلام می‌دارند:

"همه در سایه‌ی قانون با امنیت کامل به سر می‌برند، و هیچ حاکمی حق ندارد بر

خلاف مقررات و قانون شرع مطهر قدمی بردارد." (امام خمینی، ۱۳۸۵: ۷۳)

امام خمینی بر قانون‌گرایی میان دو قشر مردم و کارگزاران نظام سیاسی تأکید می‌کنند:

### الف) قانون‌گرایی در بین کارگزاران نظام سیاسی

کارگزاران، مسئولان و مدیران نظام باید قوانین را رعایت نمایند و به آن پای‌بند باشند: «اجرای قانون باشد. باید حدود معلوم بشود. آقای رئیس‌جمهور حدودش در قانون اساسی چه هست، یک قدم آن ور بگذارد، من با او مخالفت می‌کنم. اگر همه‌ی مردم هم موافق باشند، من مخالفت می‌کنم. آقای نخست‌وزیر حدودش چقدر است، از آن حدود نباید خارج بشود. یک قدم کنار برود، با او هم مخالفت می‌کنم. مجلس حدودش چقدر است، روی حدود خودش عمل کند. شورای نگهبان

حدودش چقدر است؛ قوه‌ی قضائیه حدودش چی است؛ قوه‌ی اجرائیه؛ قانون معین شده است. نمی‌شود از شما پذیرفت که ما قانون را قبول نداریم... نباید از مردم پذیرفت.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۴: ۳۷۷) چنین نظمی در پرتو قانون اساسی، نظم سیاسی، وحدت اجتماعی، یکپارچگی ملی، مدیریت ناآرامی‌ها، آرامش فضای سیاسی-اجتماعی و کارآمدی نظام سیاسی را به همراه خواهد داشت که نهایتاً، امنیت سیاسی ارتقا و تقویت می‌گردد.

### ب) قانون‌گرایی در بین مردم

التزام به قانون و قانون‌گرایی منعکس‌کننده‌ی یکی از اندیشه‌های بلند امام خمینی<sup>(ره)</sup> است. ایشان بر قانونی شدن رفتار عمومی مردم تأکید می‌نمودند و التزام عملی کلیه‌ی گروه‌ها و افراد به قانون را خواستار بودند. (افتخاری، ۱۳۸۲: ۶۹-۶۸) ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «همه باید مقید به این باشید که قانون را بپذیرید، ولو بر خلاف رأی شما باشد. باید بپذیرید، برای این‌که میزان اکثریت است؛ و تشخیص شورای نگهبان که این مخالف قانون نیست و مخالف اسلام هم نیست، میزان است که همه‌ی ما باید بپذیریم.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۴: ۳۷۷) چنین روندی در بین اقشار مختلف اجتماعی، زمینه‌های اختلافات قومی-مذهبی و تحریکات سیاسی توسط مخالفان خارجی را خنثی می‌نماید.

### صیانت از اسلامیت نظام

مهم‌ترین ابتکار امام خمینی<sup>(ره)</sup> در خصوص ارتقای مفهوم جمهوری، ترکیب و تلفیق آن با اسلام و با توجه به اقتضائات خاص جامعه‌ی ایرانی بود. ایشان رکن جمهوری اسلامی را اسلامیت آن تعریف کردند و اسلامیت از دیدگاه ایشان، محتوای نظام است. (محمدی، ۱۳۹۰: ۵۲) ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم. جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم، قوانین الهی است.» (صحیفه‌ی امام، ج ۵: ۳۹۸) بنابراین اسلامیت از مهمترین ارکان جمهوری اسلامی محسوب می‌شود و هر گونه تهدید و خدشه در آن، تهدیدی علیه نظام سیاسی محسوب می‌گردد و امنیت سیاسی از



این طریق آسیب می‌بیند. بنابراین، حفاظت و صیانت از اسلام در جمهوری اسلامی بسیار حائز اهمیت است:

"تکلیف ما حفظ و جاهت اسلام است. تکلیف ما این است که با اعمال خودمان، با گفتار و رفتار خودمان اسلام را ترویج کنیم و وجهتش را حفظ کنیم؛ و اگر خدای نخواستہ یک انحرافی باشد، باید جلوگیری کنید." (صحیفه‌ی امام، ج ۱: ۳۰۳)

در جایی دیگر می‌فرمایند: «آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است، اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است... امروز بر ملت ایران خصوصاً، و بر جمیع مسلمانان عموماً، واجب است این امانت الهی را که در ایران به‌طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به‌بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند.» (صحیفه‌ی امام، ج ۲۱: ۴۰۳)

#### وحدت و همبستگی در جامعه

وحدت در بین اقشار مختلف و مسئولان، نقشی کلیدی در الگوی مدیریت و رهبری امام خمینی ایفا می‌کند. کارکرد وحدت، اتحاد، تفاهم سیاسی و اجتماعی از نظر امام خمینی (ره) بی‌نظیر و منحصر به فرد است. به بیان دیگر، امنیت در جامعه وابسته به وجود وحدت می‌باشد و حقیقتی جوهری و ذاتی در بقای ملت و دولت قلمداد می‌شود. (ره‌پیک، ۱۳۹۰: ۱۷۰) وحدت یکی از عوامل اساسی امنیت سیاسی و جامعه است و نبود آن بسترهای ناامنی و مشکلات را فراهم می‌آورد: «این وحدت را می‌خواهند از دستمان بگیرند. یک جمعیتی هر چه افرادش زیاد باشد، اگر این جمعیت با هم منسجم نشوند، یک نحو وحدت پیدا نکنند، آسیب برمی‌دارند. اصلاً خودشان آسیب خودشان می‌شوند. اگر یک جمعیتی در یک کشوری، در یک استانی، در یک شهری، با هم یک وحدتی نداشته باشند، اینها به جان هم می‌ریزند، قهراً خود باطن‌شان آسیب می‌بیند؛ و اگر وحدت داشته باشند، هر چه وحدت زیادتر باشد، آسیب کم‌تر می‌شود.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۱: ۵۱۹)

حضرت امام وحدت و اتحاد ملی را یک هدیه‌ی الهی معرفی می‌کنند که نبود آن زمینه‌های ضعف نظام سیاسی را به همراه خواهد داشت و نبود وحدت یکی از بسترهای زوال جامعه‌ی امن و نظام سیاسی مقتدر محسوب می‌گردد:

"این را حفظش کنیم. این هدیه‌ی خداست، حفظش کنید. اگر این از دستمان برود، آن طرفیم. اگر این معنای وحدت کلمه‌ای که در اثر توجه به اسلام برای ما پیدا شد، اگر این از دست ما گرفته بشود، ما همان اشخاص ضعیف هستیم و همان اشخاصی هستیم که هیچ دستمان نیست." (صحیفه‌ی امام، ج ۷: ۴۰۰)

هم‌چنین در جایی دیگر می‌فرمایند: «اگر ما ایستادگی کنیم و قدرتی که الآن در دستمان است - که قدرت ملت است - حفظ کنیم، وحدت کلمه را حفظ کنیم، همه پیروز خواهیم شد.» (صحیفه‌ی امام، ج ۶: ۴۹۷) چنین وحدت و همدلی‌ای در جامعه، ثبات اجتماعی را به همراه خواهد داشت و نظام سیاسی را در پیشبرد اهدافش یاری خواهد رساند و مانع چالش‌های سیاسی و ناامنی خواهد شد. وحدت مدنظر امام خمینی در دو سطح مردم و کارگزاران نظام سیاسی خود را نمایان می‌سازد:

#### الف) وحدت در میان کارگزاران نظام سیاسی

وحدت نهایی و مطلوب در سطح جامعه از طریق همدلی و وحدت میان کارگزاران و مسئولان در رأس هرم حکومتی ترویج می‌شود و باید میان متولیان دولت و نهادهای حکومتی وحدت و وفاق حکم فرما باشد: «کسانی که در یک مقامی هستند، چه مقام‌های پایین و چه مقام‌های بالا، اگر بخواهند مملکت اصلاح بشود، اگر بخواهند این کشور آرامش پیدا بکند، آنها باید آرامش را از بالا شروع کنند؛ از پایین آرامش نمی‌شود، حاصل بشود. باید اشخاصی که زمامدار امور هستند، هر نحو زمامداری، باید از آنجا آرامش را شروع کنند. آرامش آنها کشور را به آرامش می‌کشد و اگر خدای نخواستہ طغیان کنند، طغیان آنها کشور را به هلاکت می‌کشاند.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۴: ۳۹۲)

### ب) وحدت در بین مردم

وحدت میان اقشار مختلف جامعه برای تأمین امنیت پایدار ضروری و بایسته است و حضرت امام (ره) بارها بر اتحاد میان ملت تأکید نموده‌اند و بیان می‌دارند که اساس یک نظام سیاسی با اتحاد مردم خویش مستحکم می‌گردد. (صحیفه‌ی امام، ج ۱۷: ۱۵۳) ایشان وحدت را عامل اصلی پیروزی جمهوری اسلامی اعلام می‌کنند و اتحاد مردم را بعد از انقلاب اسلامی هم‌چنان لازم می‌دانند، زیرا یکی از عوامل اصلی رفع تهدیدات پیش روی نظام سیاسی است: «رمز پیروزی بزرگی که ملت به آن رسیده است، وحدت کلمه همه‌ی اقشار بود. اکنون احتیاج بیش‌تر داریم به حفظ این وحدت کلمه و وحدت مقصد. ملت بزرگ باید هوشیارانه از بعضی عناصر تفرقه‌افکن که با شعارهای فریبنده می‌خواهند دست اجانب را به کشور مسلمان ما بازکنند و همان اختناق و چپاول‌گری را به فرم دیگر برگردانند، احتراز کنند و با تنها گذاشتن آنان و عدم شرکت در اجتماعات‌شان و با منطق اسلامی تبلیغات سوء آنان را خنثی کنند.» (صحیفه‌ی امام، ج ۶: ۲۶۲)

### مشارکت و حضور مردم در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی

از دیدگاه امام خمینی (ره) مردم و شهروندان جامعه از منابع اساسی تأمین امنیت در جمهوری اسلامی محسوب می‌شوند و ایشان ارتباطی اساسی بین امنیت و حضور مردم در صحنه و یا به عبارتی مشارکت آنها برقرار می‌سازند و در این مسیر؛ رفاه، پیشرفت، امنیت و آسایش نظام سیاسی را منوط به مشارکت مردم و نقش‌آفرینی متداول آنها در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌دانند. پس از منظر امام خمینی، تأمین امنیت سیاسی همانند سایر ابعاد امنیتی در گروه مشارکت و حضور مردم است. (قریبی، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۲) بنابراین، حضور در صحنه‌ی مردم، امنیت نظام را تضمین می‌نماید:

«مردم را در صحنه حاضر نگه دارید که آنچه انقلاب و ایران را حفظ کرده، حضور مردم در صحنه است. در تمام دنیا مردمی به خوبی مردم ایران پیدا نمی‌شود. امروز مردم پشتیبان انقلاب اسلامی و دولت هستند. پشتیبانی مردم از دولت به خاطر این است که دولت را اسلامی می‌دانند و می‌دانند که طرفداری

از دولت، طرفداری از اسلام است؛ تنها به این خاطر است که از دولت

پشتیبانی می‌کنند، این پشتیبانی را باید حفظ کنید." (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۷: ۲۵۳)

ایشان در جایی دیگر، حفظ مردم در صحنه را یک تکلیف شرعی و عقلی ذکر می‌نمایند که می‌تواند ارزش‌ها، آسایش و امنیت را به ارمغان آورد: «شما باید به مَرّ اسلام، هم تکلیف شرعی‌تان است، هم حکم عقل است که ما باید حفظ کنیم مردم را ... ما وقتی مردم را داریم، اسلام را داریم و رضای خدا را داریم، همه چیز داریم.» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۷: ۲۵۳)

امام راحل تحقق امنیت در تمامی ابعاد آن را در نظام مردم‌سالار، منوط به مشارکت مردم می‌دانند؛ از این رو، دولت‌سالاری و حضور بی‌رمق مردم در صحنه‌های مختلف اجتماع را یک نوع بیماری مهلک تعبیر می‌کنند (اخترشهر، ۱۳۸۶: ۱۶۱) و در این خصوص می‌فرمایند: «دولت چنان‌چه کرا را تذکر داده‌ام، بی‌شکرت ملت و توسعه‌ی بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود.» (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۹: ۱۵۸)

### وفاداری متقابل مردم و مسئولان

حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> معتقد بودند که وجود دولت از واجبات حسیبه و وظیفه‌ی آن حفظ نظام و برقراری امنیت است. نظر به این‌که در حکومت اسلامی نیز دولت و ملت از یکدیگر جدا نیستند و خلوص قدرت در این نظام در همبستگی میان مردم و حکومت متجلی است؛ ایشان معتقد است که از یک سو، لازم است مسئولان مملکتی با مردم و مسائل آنان شناخت و آشنایی کامل داشته باشند تا بهتر بتوانند به خدمت‌گذاری ملت اهتمام نمایند و از سوی دیگر، ملت بایستی با پشتیبانی همه‌جانبه از دولت انقلابی، قدر نعمت عظیم انقلاب اسلامی را بدانند. بنابراین، حضرت امام خمینی رابطه‌ای دوسویه میان دولت و ملت قائل هستند. از سوی دیگر، امام خمینی بر حفظ حیثیت و جاهت ارگان‌های مختلف نزد مردم و پشتیبانی ملت از دولت و مجلس و سایر ارگان‌ها تأکیدی وافر دارند تا از رهگذر وفاداری

متقابل مردم و دست‌اندرکاران مملکتی، نهضت اسلامی تداوم و استمرار یابد. (دهشیری، ۱۳۸۰: ۷۵) ایشان چنین وفاداری و همکاری متقابل دولت و ملت را عنصری اساسی برای ارتقای امنیت سیاسی کشور می‌دانند که قابلیت صدور و الگوبرداری توسط دولت‌های دیگر از این مدل ارتباطی میان مردم و دولت وجود دارد:

"وقتی ملت و دولت با هم شد، ... همه با هم هستند و همه یک فکر می‌کنند، البته منافع ابرقدرت‌ها دیگر نمی‌شود تأمین بشود... به حسب حکم اسلام، بین حکومت و بین مردم مخالفت نباشد و همه با هم باشند و ممالک اسلامی همه با هم باشند و همه متحد بشوند تا این‌که آسیبی برای آنها واقع نشود." (صحیفه‌ی امام، ج ۱۳: ۹۸-۹۶)

ایشان وفاداری و حفظ وحدت در عمل متقابل میان مردم و دولت را یک عمل شرعی می‌دانند که هرگونه نقض در آن را مترادف گناه و جرم قرار می‌دهند: «اسلام دستور داده است و فرموده است: وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همه با هم - تمام اقشار با هم - اعتصام به حبل‌الله، توجه به خدای بزرگ؛ با توجه به خدای بزرگ، همه باید پیش برویم. تخلف از این دستور الهی جرم است، گناه است. ما همه باید با هم باشیم. نیروهای ما همه باید واحد باشد... همه باید مُعْتَصِمِ بِحَبْلِ اللَّهِ باشند؛ با اعتصام بحبل‌الله پیشرفت کردیم و خواهیم کرد.» (صحیفه‌ی امام، ج ۷: ۹۹)

### عام‌گرایی کنش سیاسی و نفی انحصارگرایی سیاسی

قدرت مبتنی بر آگاهی، به نفی انحصار از سوی افراد، گروه‌ها و احزابی منجر می‌شود که سعی دارند به نوعی انتخاب و عمل سیاسی را به قشر و گروه خاصی منحصر بدانند. گسترش آگاهی و رشد سیاسی در میان مردم از منظر امام خمینی این انحصار تنگ را درهم شکسته و تمام مردم را به صحنه می‌آورد؛ بنابراین، قدرت را از شکل محدود آن که متکی بر حزب و گروه خاصی است، خارج کرده و به قدرت عمومی تبدیل می‌نماید. به همین دلیل، امام خمینی هرگونه انحصارطلبی را نفی می‌نماید. (افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۹۳) بنابراین، هرگونه سیاستی که

نتیجه‌اش به حاشیه راندن مردم و منزوی ساختن آنان بر مبنای تمایزات سنی، صنفی، قومی، نژادی، طبقاتی، جنسیتی،... و یا ناشی از رهیافتی اریستوکراتیک و الیستی یا عوام‌انگاری توده‌ها و اعتقاد به عدم اهلیت آنان برای مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی باشد و سیاست‌ورزی را حق انحصاری طیف خاصی از برگزیدگان و رهبران و صنف و قشر خاصی مثل روحانیت قلمداد نماید، اقدامی بر ضد امنیت سیاسی ارزیابی می‌شود (کریمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۹) و امام خمینی چنین بینشی داشتند و بر لزوم انحصارزدایی سیاسی و عموم‌گرایی عمل سیاسی به مثابه یک حق طبیعی و انسانی تأکید داشتند.

امام خمینی در خصوص عام بودن عمل سیاسی و نفی انحصارطلبی صنفی سیاسی چنین بیان داشتند که انتخابات یکی از عرصه‌های نمود کنش و عمل سیاسی است و چنین امری مربوط به همه است و حق انحصاری شخص یا گروه خاصی نیست:

*"انتخابات در انحصار هیچ‌کس نیست، نه در انحصار روحانیون است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه‌هاست. انتخابات مال همه‌ی مردم است. مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است؛ و انتخابات برای تأثیر سرنوشت شما ملت است." (صحیفه‌ی امام، ج ۱۸: ۳۶۷)*

انتخابات در یک نظام سیاسی نمود عینی و بارز کنش سیاسی، مشارکت سیاسی و مشروعیت‌بخشی است و امام خمینی چنین عرصه‌ای برای امر سیاسی را مختص به یک طیف خاص نمی‌دانند، بلکه همگان موظف به شرکت در آن هستند: *"انتخابات در انحصار هیچ‌کس نیست، ... انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین می‌کند. انتخابات بر فرض این‌که سیاسی باشد و هست هم، این دارد سرنوشت همه‌ی ملت را تعیین می‌کند، یعنی آحاد ملت سرنوشت زندگی‌شان در دنیا و آخرت منوط به این انتخابات است. این این طور نیست که انتخابات را باید چند تا مجتهد عمل کنند." (صحیفه‌ی امام، ج ۱۸: ۳۶۷)*

## حاکمیت نظم و آرامش

یکی از مؤلفه‌های داخلی امنیت سیاسی، "حاکمیت نظم و آرامش" است. (ماندل، ۱۳۸۷: ۱۱۱) به عبارت دیگر، وجود نظم و آرامش در جامعه را یکی از نشانه‌های امنیت سیاسی بر می‌شمارد. البته باید توجه داشت که برقراری نظم، نازل‌ترین سطح از معنای امنیت در مکتب امنیتی امام خمینی است. از سوی دیگر، تحقق نظم نیازمند قانون است تا هر کسی تکلیف خود را بداند و به همین دلیل، امام خمینی از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تمام همّت خود را بر تدوین قانون اساسی می‌گمارد. این نظم و امنیت هم در بعد داخلی که مقابله و برخورد با مجرمان و عوامل ناامن‌کننده است، مصداق پیدا می‌کند و هم در بعد خارجی که از مصادیق بارز آن دفاع از سرحدات و مرزهای جغرافیایی کشور است، ضرورت می‌یابد. در این معنای امنیت، مسئولیت برقراری نظم، پیش از همه بر عهده‌ی قوای نظامی و انتظامی است. (خسروی، ۱۳۹۱: ۱۴۹) امام خمینی در خصوص برقراری نظم، امنیت و آرامش در سطح جامعه چنین می‌فرماید:

"خود شما باید همراهی کنید تا تمام بشود و مملکت آرام بشود. وقتی آرام شد، آن وقت می‌شود این را مثلاً تعمیر کرد، این را اصلاح کرد؛ ... همه چیزها تابع این است که یک آرامشی باشد. ان‌شاء‌الله امیدوارم که آرامش پیدا بشود و با کمک همه‌ی آقایان، همه‌ی آقایان کمک کنند، همه‌ی ملت کمک کنند، ... وقتی که حل شد، آرام شد، آن وقت ما می‌توانیم که مسائل اسلامی را در همه‌جا ببریم و همه‌جا تحت لوای اسلام ان‌شاء‌الله زندگی بکنند." (صحیفه‌ی امام، ج ۱۰: ۲۷)

ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «شما بدانید که هر چه آرام‌تر باشد مملکت، بهتر می‌شود اصلاحش کرد. در یک محیطی که توی خیابان بریزند به جان هم، نمی‌شود اقتصادش را درست کرد؛ نمی‌شود دانشگاهش را درست کرد. وقتی محیط آرام باشد، توجه بکنند که باید آرام بشود، ... ملت باید بداند که الآن مملکت مال خودش است. یک مملکتی که مال خودش است باید آرامش را خودش حفظ بکنند، تا آنهایی که مشغول‌اند، به این که کار را انجام بدهند بتوانند مجال پیدا کنند که انجام بدهند.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۰: ۳۸۳) برقراری نظم و آرامش در

جامعه برای دستیابی به امنیت پایدار، نیازمند فعالیت و مشارکت گروه‌های متعددی است: «باید ملت از این پس که حال استقرار و سازندگی است، احساس آرامش و امنیت نمایند و آسوده‌خاطر و مطمئن از همه جهات به کارهای خویش ادامه دهند، و اسلام بزرگ و دولت اسلامی را پشتیبان خود بدانند، و قوه‌ی قضائیه را در دادخواهی‌ها و اجرای عدل و حدود اسلامی در خدمت خود ببینند، و قوای نظامی و انتظامی و سپاه پاسداران و کمیته‌ها را موجب آسایش و امنیت خود و کشور خود بدانند.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۷: ۱۴۲)

### مؤلفه‌های خارجی امنیت سیاسی

از منظر امام خمینی<sup>(ره)</sup> برخی مؤلفه‌های خارجی که ارتباط مؤثری با امنیت سیاسی دارند، عبارتند از:

### استقلال سیاسی و عدم وابستگی

می‌توان استقلال سیاسی از منظر امام خمینی<sup>(ره)</sup> را اراده‌ی آزاد تصمیم‌گیری ملت برای تعیین سرنوشت خود و عدم سلطه یا دخالت اجانب در سرنوشت مردم کشور معنا کرد. از مصادیق این استقلال از دیدگاه امام خمینی می‌توان به مبارزه و ایستادگی ملت در برابر قدرت‌های زمان و وابستگان خارج و داخل آنها و عدم اتکا به یکی از قطب‌های شرق و غرب و پیمودن صراط مستقیم اشاره کرد. (دهشیری، ۱۳۸۰: ۷۰) از منظری دیگر، امام خمینی استقلال سیاسی را در قطع رابطه با دشمنان، مقابله با سیاست‌های استعماری آنها و استحکام در پیشبرد سیاست‌های راهبردی نظام می‌دانستند. (اسکندری، ۱۳۸۶: ۶۹-۶۸) ایشان در خصوص استقلال سیاسی و سیاست مستقل در عرصه‌ی بین‌الملل چنین می‌فرمایند:

"دولت اسلامی ما آزاد و مستقل خواهد بود، و تعادل قوا در این منطقه از جهان به هیچ‌وجه نباید تغییر یابد. ما نه به سوی غرب و نه به طرف شرق گرایش خواهیم داشت و می‌خواهیم یک جمهوری بی‌طرف و غیرمتعهد باشیم. ما می‌خواهیم روابط دوستانه با همه‌ی کشورها داشته باشیم، ما دام که آنها در امور داخلی ما مداخله نکنند." (صحیفه‌ی امام، ج ۵: ۴۸۱)



ایشان معتقدند: «اصلی که غیرقابل تغییر است، این است که سیاست خارجی ما باید بر مبنای حفظ آزادی و استقلال کشور و نیز حفظ مصالح و منافع ملت ایران باشد.» (صحیفه‌ی امام، ج ۴: ۴۱۴) چنین اصلی، استقلال سیاسی را تقویت می‌نماید و می‌تواند از وابستگی‌ها به مثابه یکی از عوامل تضعیف‌کننده‌ی امنیت سیاسی بکاهد.

### همزیستی مسالمت‌آمیز

حضرت امام خمینی بر حفظ صلح، امنیت و عدالت از طریق همکاری مبتنی بر احترام متقابل تأکید داشته و همزیستی مسالمت‌آمیز ملت‌ها بر مبنای تحمل عقاید یکدیگر و پای‌بندی به قراردادها را کمکی به بشریت در جهت نیل به آرامش می‌دانستند، چرا که التزام ملت‌ها به رعایت قواعد و نهادهای مشترک منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند از ستیز میان دولت‌ها بکاهد و گفتگو و منطق مکالمه، سوءتفاهم‌ها را مرتفع سازد. این سیاست که تلفیقی از جهان‌گرایی و منطقه‌گرایی محسوب می‌شود، بستر لازم برای سازگاری و انطباق منافع ملت را فراهم می‌نماید. در این رابطه، امام خمینی ضمن پرهیز از تنش در روابط با کشورهای غیرمتخاصم، اساس روابط خارجی را بر مبنای گفتگو و احترام متقابل تلقی می‌کنند. بر مبنای چنین دیدگاهی است که ایشان نهادگرایی همکاری‌جویانه‌ی منطقه‌ای را مورد تأکید قرار می‌دهند. (روحانی، ۱۳۹۱: ۵۶) ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

"تمام کشورها اگر احترام ما را حفظ کنند ما هم احترام متقابل را حفظ خواهیم کرد، و اگر کشورها و دولت‌ها بخواهند به ما تحمیلی بکنند، از آنها قبول نخواهیم کرد. نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم."  
(صحیفه‌ی امام، ج ۴: ۳۳۸)

امام خمینی سیاست دولت اسلامی را یک سیاست مسالمت‌آمیز و همزیست‌گرا توصیف می‌کنند (امام خمینی، ج ۴: ۴۱۱) و این‌گونه به دست‌اندرکاران بخش سیاست خارجی توصیه می‌کنند: «ملت ایران اجازه نمی‌دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی او دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می‌کند، و با تمام کشورها هم به طور احترام متقابل عمل خواهد

کرد.» (صحیفه‌ی امام، ج ۵: ۱۲۲) و «جمهوری اسلامی ما با تمام ممالک روابط حسنه دارد و احترام متقابل قائل است، در صورتی که آنها هم احترام متقابل قائل باشند.» (همان: ۲۵۷)

### نفی ظلم‌پذیری و قیام برای ظلم‌ستیزی

اسلام به مسأله‌ی ظلم‌ستیزی و سازش‌ناپذیری در مقابل دشمن تأکید فراوانی دارد و آن را مسئولیت اجتناب‌ناپذیر انسان‌ها معرفی می‌نماید و امام خمینی نیز چنین اعتقادی نیز دارند. (سهرابی، ۱۳۸۴: ۱۵۱) ایشان ظلم‌پذیری را مخالف آموزه‌های اسلامی می‌دانند و بیان می‌دارند: «با همه‌ی دولت‌ها رابطه داشته باشیم، یعنی رابطه‌ی دوستانه، نه روابط بین‌ارباب و رعیت، و ما این روابط را نمی‌خواهیم مادامی که این‌طور هست؛ و ما استقلال خودمان را می‌خواهیم حفظ کنیم و در دنیا زندگی کنیم و اسلام را به پیش ببریم. و ما هم می‌خواهیم این‌طور باشیم که نه ظلم کنیم، نه زیر بار ظلم برویم.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۹: ۹۴) در بیاناتی دیگر فرموده‌اند:

"کوشش همه‌ی مردم باید این باشد که زیر بار ظلم نروند. همان‌طوری که ظلم حرام است، زیر بار ظلم رفتن هم حرام است. مظلوم شدن غیر زیر بار ظلم رفتن است. آدم باید تا آنجا که قدرت دارد، زیر بار ظلم نرود." (صحیفه‌ی امام، ج ۱۱: ۲۶۵)

با چنین منطقی و اندیشه‌ای است که ایشان سازش با ستمگران و ظالمان را بر نمی‌تابند و دعوت همگانی به قیام علیه عاملان ظلم و جنایت می‌نمایند (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۷: ۹۴) و لازمه‌ی چنین قیامی علیه ظلم و تعدی بیگانه را در افزایش آگاهی و بینش سیاسی، وحدت و تلاش برای دست یافتن به استقلال کامل می‌دانند. (باباخانی، ۱۳۹۰: ۱۳۸-۱۳۶) امام خمینی در خصوص ظلم‌ستیزی به‌عنوان اصلی بنیادی در راستای تأمین امنیت و صیانت از اصل وجودی نظام چنین می‌فرماید: «معارضه با ظلم و با اجحاف به اندازه‌ی قدرت‌شان بکنند؛ و اگر این تکلیف را همه‌ی مردم عمل می‌کردند، امکان نداشت که یک دولتی بتواند در بین ملت خودش تعدی بکند، یا یک دولت دیگری بتواند به دولت دیگر تعدی بکند. همه‌ی اینها برای این است که پشتوانه‌ی این اشخاصی که حکومت‌ها به دست‌شان هست، ملت نیست.» (صحیفه‌ی امام، ج ۳: ۲۲۹)

### لزوم زیر نظر داشتن سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی دولتی

از منظر حضرت امام خمینی (ره) سازمان‌های بین‌المللی دولتی که توسط دولت‌ها شکل می‌گیرند، در جهت تأمین منافع خودشان عمل می‌کنند و از این‌رو، سازمان ملل و حقوق‌بشر و امثال اینها برای منافع ملت‌ها قدمی بر نداشته‌اند. (قربان‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳۵) چنان‌چه این سازمان‌ها با برخورد‌های گزینشی، جانبدارانه، ایدئولوژیک و سیاسی، برای قدرت‌های بزرگ و ویژگی‌های ابزاری پیدا کنند، نه تنها عامل امنیت و صلح نیستند، بلکه با اعمال ناعادلانه‌ی فشارهای سیاسی، امنیتی و حقوقی بین‌المللی علیه کشورها، به سازو کار تهدید امنیت ملی آنها تبدیل می‌شوند. امام خمینی نیز پس از آن‌که تصمیم‌ها و سیاست‌های اعلامی و اعمالی این سازمان‌ها را مطالعه و رفتار ناعادلانه‌ی آنان در قبال دولت‌های جهان سوم و ملل بی‌دفاع را مشاهده نمودند، فاصله گرفتن آنها از اهداف انسانی و اولیه‌ی خودشان را یادآور شدند و کارآیی آنها را برای رسیدن به ثبات، صلح و امنیت جهانی به صراحت انکار کردند. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۲۲۱) ایشان سازمان‌های بین‌المللی و عملکرد نامناسب آنها را چنین تشریح می‌کنند:

"اساساً هر تشکیلاتی که این ابرقدرت‌های بزرگ در آن دست دارند، این تشکیلات تشکیلاتی است که باید به نفع آنها تمام شود. همین سازمان ملل، همین جلساتی که در خارج هست، شورای امنیت، همه‌ی اینها در خدمت ابرقدرت‌ها هستند و برای بازی دادن سایر کشورهاست؛ و لذا، برای خودشان و تو قرار می‌دهند و هر مطلبی مخالف با رأی خودشان است، کنار می‌گذارند و اصلاً خود آنها هم اساساً در خدمت ابرقدرت‌ها هستند. سازمان‌هایی هم که به هر اسمی اینها درست می‌کنند، می‌خواهند بکشند همه را به طرف منافع خودشان." (صحیفه‌ی امام، ج ۱۳: ۱۹۰)

با این اوصاف، امام خمینی (ره) معتقد هستند که سازمان‌های بین‌المللی بر خلاف کارویژه‌ی اصلی آنها که همانا صلح و امنیت است، به سوی ارتزاق و حمایت از قدرت‌های بزرگ در برابر ملت‌های مستقل سوق یافته‌اند و این تهدیدی برای امنیت کشورهای مستقل

است و به همین دلیل، امنیت ملی و به طبع آن، امنیت سیاسی کشورهای مستقل و آزاده از طریق توجه و زیر نظر گرفتن این سازمان‌ها در صحنه‌ی روابط بین‌الملل تأمین می‌شود؛ زیرا بی‌توجهی و غفلت از آنها زمینه‌های تزلزل پایه‌های حاکمیت و مشروعیت سیاسی را به همراه خواهد داشت.

### ایجاد تشکل‌های بین‌المللی مستقل

امام خمینی<sup>(ه)</sup> به منظور حفظ منافع مشترک ملل اسلامی، حرکت و مبارزه‌ی هدف‌دار و حساب‌شده را مدنظر داشته و تحقق حقوق ملت‌های ضعیف، امنیت و رهایی از اسارت را تنها در سایه‌ی تشکیل حکومت اسلامی، امکان‌پذیر می‌دانند. (سهرابی، ۱۳۸۴: ۱۷۳) ایشان در این رابطه می‌فرمایند:

"شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان  
بپاخیزید؛... و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به  
پیش روید که با تحقق آن، همه‌ی مستکبران جهان را به جای خود خواهید  
نشانند و همه‌ی مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند."  
(صحیفه‌ی امام، ج ۲۱: ۴۴۸)

چنین تشکل‌های اسلامی‌ای نیز می‌تواند تهدیدات پیش روی جوامع اسلامی را کاهش دهد و امنیت کشورهای اسلامی را ارتقا بخشیده و میزان تأثیرگذاری آنها را افزایش دهد. در نهایت، این‌که ایجاد بلوک‌های مستقل سیاسی و مرتبط با یکدیگر، افزایش توانمندی‌های سیاسی این نظام‌ها را در عرصه‌ی بین‌الملل به همراه خواهد داشت.

### حمایت از ملت‌های مظلوم و نهضت‌های آزادی‌بخش

امام خمینی<sup>(ه)</sup> حمایت مادی و معنوی از نهضت‌های آزادی‌بخش و جنبش مستضعفان را در مناطق مختلف جهان وجهی همت خود قرار داده بودند و وظیفه‌ی نظام اسلامی می‌دانستند که برای نجات ملل تحت ستم و مستضعف تلاش کند (دهشیری، ۱۳۸۰: ۲۲۶)؛ زیرا اعتقاد داشتند از این طریق، امنیت ملت‌های مظلوم تأمین شود و ایران به‌دلیل قرار گرفتن در

محور مقاومت، وجهی مثبتی در بین ملت‌های مظلوم کسب خواهد نمود و چنین امری، حمایت و پشتیبانی ملت‌های دیگر را برای ایران به ارمغان خواهد آورد. در این خصوص می‌فرماید:

"ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم... زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌باشد و پشتیبان تمام مستضعفین جهان است. از طرفی دیگر، تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی‌مان بسته‌اند، و اگر ما در محیطی در بسته بمانیم، قطعاً با شکست مواجه خواهیم شد. ما باید حساب‌مان را صریحاً با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاری‌های مشقت‌باری که داریم، با جهان، برخوردی مکتبی می‌نماییم... من بار دیگر پشتیبانی خودم را از تمام نهضت‌ها و جبهه‌ها و گروه‌هایی که برای رهایی از چنگال ابرقدرت‌های چپ و راست می‌جنگند، اعلام می‌کنم."

(صحیفه‌ی امام، ج ۱۲: ۲۰۳-۲۰۲)

در جایی دیگر می‌فرماید: «ما به پیروی از اسلام بزرگ، از جمیع مستضعفین حمایت می‌کنیم؛ و از شما و هر سازمانی در جهان که برای نجات کشور خویش بپاخاسته است، پشتیبانی می‌کنیم.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۱: ۱۱۱)

### نتیجه‌گیری

این مقاله تلاشی برای شناخت مؤلفه‌های تحقق امنیت سیاسی در اندیشه و آرای امام خمینی (ره) می‌باشد و سعی گردید با مذاقه و بررسی مجموعه اندیشه‌های امنیتی امام خمینی، مؤلفه‌های داخلی و خارجی تأثیرگذار بر تأمین امنیت سیاسی واکاوی گردد. برخی از یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که:

از منظر امام خمینی، حفظ اسلام و محافظت از آموزه‌های دین مبین اسلام از واجبات عقلی و شرعی است که سایر مراجع در طول این منبع قرار دارند. جمهوری اسلامی به مثابه نمود عینی اسلام، جایگاه مهمی در نظام سیاسی برای تأمین امنیت ملی پایدار و امنیت سیاسی

دارد و در ردیف حفظ اسلام قرار می‌گیرد که به‌وسیله‌ی ولی فقیه در عصر غیبت تداوم می‌یابد. در ذیل این مؤلفه‌ها، وجود همراهی مردم و حفظ هویت‌های بومی و ارزشی از ارکان اصلی امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی محسوب می‌شوند. تحقق امنیت سیاسی نیازمند وجود برخی از مؤلفه‌ها در سطوح داخلی و خارجی است. در این میان، مؤلفه‌های داخلی تأثیرگذار بر امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی شامل مواردی، نظیر حفظ و صیانت از نظام جمهوری اسلامی، تقویت جایگاه روحانیت در جامعه‌ی اسلامی، اهمیت قائل شدن به قانون‌گرایی در بین مردم و کارگزاران سیاسی، صیانت از اسلامیت نظام، وحدت و وفاق اجتماعی در بین مردم و مسئولان، مشارکت و حضور مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، وفاداری متقابل مردم و مسئولان، نفی انحصارگرایی سیاسی، اهمیت حاکمیت نظم در جامعه و غیره می‌باشد. مؤلفه‌های خارجی تحقق امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی شامل مواردی، هم‌چون عدم وابستگی و تحصیل استقلال سیاسی، همزیستی مسالمت‌آمیز در عرصه‌ی روابط بین‌الملل و سطح منطقه، نفی ظلم‌پذیری و تلاش برای برچیده شدن نظام جور و ستم، تأسیس تشکلهای بین‌المللی مستقل و زیر نظر داشتن سازمان‌های بین‌المللی، حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و ملت‌های مظلوم می‌گردد.

## منابع

## فارسی

- ۱- اخترشهر، علی (۱۳۸۶)، اسلام و توسعه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- ۲- اسکندری، مجتبی (۱۳۸۶)، تبیین الگوی تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- ۳- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، اقتدار ملی؛ جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی-سیاسی نیروی انتظامی، چاپ اول.
- ۴- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲)، «امنیت ملی در اندیشه و عمل امام خمینی (ره)»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی. تابستان، شماره ۶، صفحات ۸۳-۵۹.
- ۵- افتخاری، اصغر (۱۳۹۰)، «جامعه‌شناسی امنیت؛ رویکردی جامع»، در مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی امنیت، ترجمه محمدعلی قاسمی و محمدرضا آهنی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، صفحات ۳۷-۱۳.
- ۶- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، امنیت، مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی، تهران: دانشگاه امام صادق، چاپ اول.
- ۷- امام خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۷۵)، استفتانات، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
- ۸- ---- (۱۳۸۵)، صحیفه‌ی امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
- ۹- ---- (بی تا)، کشف اسرار، قم: انتشارات آزادی.
- ۱۰- ---- (۱۳۸۳)، آفت‌ها و آسیب‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول.
- ۱۱- ---- (۱۳۸۵)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ سیزدهم.
- ۱۲- باباخانی، مجتبی (۱۳۹۰)، «استکبارستیزی و حمایت از مستضعفین در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و شهدای دانشجو»، فصلنامه ره‌آورد سیاسی، سال هشتم، زمستان، شماره ۳۴، صفحات ۱۶۰-۱۳۱.

- ۱۳- بوزان، باری و دیگران (۱۳۹۲)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
- ۱۴- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶)، «مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی»، در توسعه و امنیت عمومی، جلد ۲، تهران: انتشارات وزارت کشور، چاپ اول، صفحات ۴۸-۷۱.
- ۱۵- جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۸۸)، امنیت در نظام سیاسی اسلام. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- ۱۶- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، مکتب امنیتی امام خمینی (ره)؛ (مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی)، تهران: انتشارات ابرار معاصر، چاپ اول.
- ۱۷- خلیلی، رضا (۱۳۸۴)، «امنیت، سیاست و استراتژی؛ تقارن تحول تاریخی-گفتمانی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، زمستان، شماره‌ی چهارم (پیاپی ۳۰)، صفحات ۷۶۴-۷۳۹.
- ۱۸- داوری اردکانی، رضا و سیدرضا شاکری (۱۳۸۸)، «امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، پائیز و زمستان، شماره‌ی دوم (پیاپی ۱۰)، صفحات ۸۶-۶۹.
- ۱۹- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- ۲۰- ربیعی، علی (۱۳۸۷)، مطالعات امنیت ملی، مقدمه‌ای بر نظریه‌های امنیت ملی در جهان سوم، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ چهارم.
- ۲۱- رفیع، حسین و سیدمحمدجواد قربی (۱۳۹۲)، «تحصیل امنیت اخلاقی و ارزشی در قانون اساسی»، فصلنامه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، بهار، شماره‌ی ۷۵، صفحات ۲۹-۱۰.
- ۲۲- رهیپک، سیامک (۱۳۹۰)، «منابع و شیوه‌های تأمین امنیت در اندیشه‌ی امام خمینی (ره): امام خمینی (ره) و بنیان‌های نظری امنیت در جمهوری اسلامی ایران، به اهتمام فرزاد پورسعید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، صفحات ۱۹۱-۱۶۷.
- ۲۳- روحانی، حسن (۱۳۹۱)، «گفتمان امام خمینی (ره) پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ویکم، زمستان، شماره‌ی ۶۵، صفحات ۶۶-۷.
- ۲۴- زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۹۱)، «امنیت عمومی و اجتماعی»، در پژوهشنامه امنیت اجتماعی، شماره‌ی ۱۰۵، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول، صفحات ۹۲-۶۷.
- ۲۵- سهرابی، محمد (۱۳۸۴)، استراتژی دفاعی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ اول.
- ۲۶- صادقیان، سیدجلال (۱۳۸۴)، «درآمدی بر امنیت و ابعاد و گستره آن»، فصلنامه امنیت عمومی، سال دوم، بهار و تابستان، شماره‌ی اول و دوم (پیاپی ۳ و ۲)، صفحات ۸۶-۶۹.
- ۲۷- قربان‌زاده سوار، قربانعلی (۱۳۸۶)، روابط بین‌الملل از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول.



- ۲۸- قریبی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۲)، «مردم‌سالاری و امنیت انسانی؛ جایگاه مردم برای تأمین امنیت در نظام مردم‌سالاری از منظر امام خمینی (ره)»، چکیده مقالات سومین همایش ملی نظریه مردم‌سالاری دینی. قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول.
- ۲۹- قریبی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۱)، «معناشناسی امنیت نرم»، اطلاعات راهبردی، سال دهم، آذر و دی ماه، شماره ۱۱۳، صفحات ۶۶-۸۸.
- ۳۰- کازرونی سعدی، رحیم (۱۳۹۰)، «حفظ نظام و پای‌بندی به اصول در کلام امام خمینی (ره)»، فصلنامه ره‌آورد سیاسی. سال هشتم، زمستان، شماره ۳۴، صفحات ۹۹-۱۳۰.
- ۳۱- کافی، مرضیه (۱۳۸۷)، فرهنگ و امنیت از دیدگاه امام خمینی (س) و آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، قم: مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (ع).
- ۳۲- کریمی، علی و اکبر بابایی (۱۳۹۰)، امنیت ملی از منظر امام خمینی (ره)، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- ۳۳- کریمی، علی و دیگران (۱۳۸۹)، «تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، پاییز، شماره ۴۹.
- ۳۴- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، «چهره متغیر امنیت ملی» ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.
- ۳۵- محمدی، امیر (۱۳۹۰)، «جایگاه سرمایه اجتماعی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، فصلنامه ره‌آورد سیاسی، سال هشتم، زمستان، شماره ۳۴، ۳۱-۶۲.
- ۳۶- منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۷۷)، سیری در اندیشه دفاعی حضرت امام خمینی (ره)، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، چاپ اول.
- ۳۷- موحدی، محمدابراهیم و جمال عرف (۱۳۹۲)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت سیاسی نخبگان سیاسی کشور»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، بهار، شماره اول (پیاپی ۵۹)، صفحات ۵۳-۸۶.

